



بهترین قصه‌های تاریخی تهران  
جایزه می‌گیرند

نشانی و شماره تماس ما: mahaleh@hamshahr.org ۲۲۰۲۳۴۵۵-۲۴۶

صفحه «روایت تهران» که پیش روی شماست، به انعکاس روایت‌های خواندنی تاریخ تهران قدیم و سرگذشت شخصیت‌ها و نامداران، خیابان‌ها و گذرگاه‌ها، واقعه‌های تاثیرگذار و تاریخ شفاهی طهران تعلق دارد. با عکس‌های بازمانده از خاطرات تهران دیرروز و قصه‌ها و ماجراهای پس پشت این عکس‌ها، شما هم می‌توانید در انتشار این صفحه که متعلق به خود شما و شهر شماست ما را همراهی کنید. «همشهری» بهترین عکس‌ها و قصه‌هایی را که برای ما از سال می‌کنید با نام خودتان منتشر و به شما «همشهریان همراه» هدیه‌ای تقدیم می‌کند.



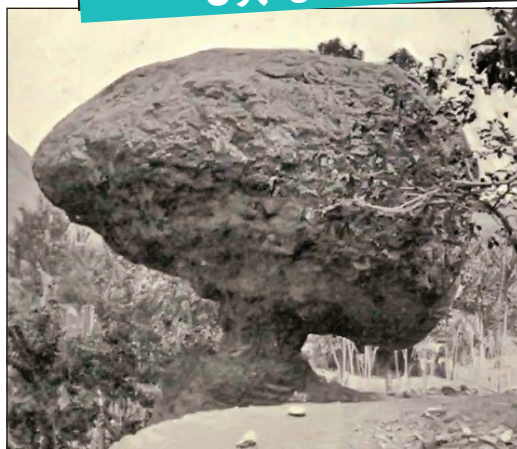
# ماجرای توقیف درشکه‌ها و تجمیع سورچی‌ها



هنوز فصل بهار سال ۱۳۴۱ به پایان نرسیده بود که مقامات راهنمایی و رانندگی روز ۲۱ فروردین تا ساعت ۲۲ در جنوب شهر از جمله پل امامزاده معصوم (ع)، چهارراه عباسی، شوش، دروازه غار، جوادیه، نازی‌آباد، امامزاده حسن (ع) و قلعه مرغی به راه افتادند و بیش از ۳۰۰ دستگاه درشکه، ۲۰۰ دستگاه گاری و ۱۵۰ دستگاه چرخ‌دستی را توقیف کردند و به توقفگاهی در جاده آرامگاه شهری بردند. علت این کار، تردد زیاد درشکه‌ها در جنوب شهر بود که سبب ترافیک معابر و کندگی حرکت خودروها می‌شدند. البته اسب کسانی که درشکه‌هایشان به قرارگاه منتقل شده بود، به آنها تحویل داده شد، اما بعضی‌ها از گرفتن آن خودداری کرده و گفتند حالا که درشکه را از ما می‌گیرید، اسب را هم خودتان نگه دارید. البته آنها به دلیل بی‌توجهی به خواسته‌هایشان در اتحادیه درشکه‌داران تجمیع کردند و بالاخره این غائله با دستور دکتر علی امینی، نخست‌وزیر وقت، ختم به‌خیر شد. به این صورت که درشکه‌داران فقط در حومه تهران فعالیت کنند.

● ایوذر چهل امیرانی

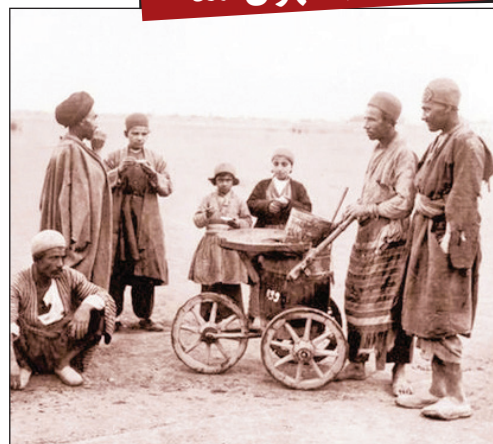
## سنگ پیرزن در شمال تهران



نام سنگ پیرزن هنوز در میان اهالی محله ولنجک زنده است. با وجود اینکه از این سنگ عجیب و غریب اکنون دیگر نشانی باقی نمانده است. حتی نام این سنگ به اسناد و کتاب‌های تاریخی هم راه پیدا کرده و سال‌ها پیش تصویر آن در یک مجله خارجی هم به چاپ رسیده بود. مرحوم ایرج افشار، پژوهشگر فرهنگ و تاریخ ایران، درباره سنگ پیرزن به آنچه در خاطرات عمادالسلطنه خوانده استناد کرده: «این سنگ تخته سنگی یکپارچه و عجیب در دامن کوه ولنجک بود که اهالی به آن سنگ پیرزن می‌گفتند. سنگی بزرگ شبیه قارچ که پایه کوچکی داشت. در زبان انگلیسی به این نوع سنگ‌ها، صخره قارچی گفته می‌شود و شاید بتوان معادل این کلمه را در فارسی قارچواره نامید.»

● حسن حسن‌زاده

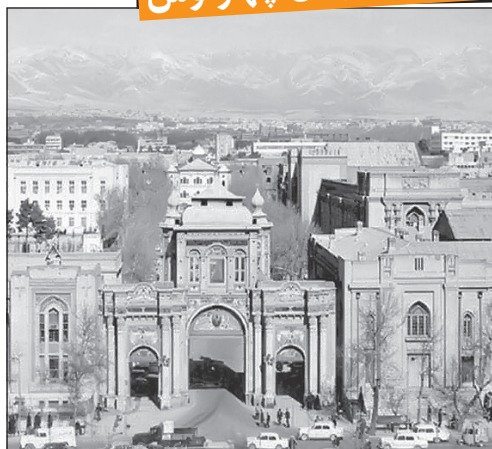
## نوبرانه‌ای که از فرانسه به تهران آمد



طبق منابع تاریخی در سفر سوم ناصرالدین‌شاه به اروپا، او در روستای بیلاقی به نام «پلومبیر» در فرانسه نوعی بستنی خورد که حساسی خوشش آمد و بعد از این سفر بود که بستنی هم وارد خوراکی‌های تهرانی‌ها شد. معروف‌ترین بستنی‌فروش شهر تهران در آن زمان فردی به نام «ممدروش» بود که بستنی خامه‌دار مخصوصی درست می‌کرد و کم‌کم سر و کله بستنی‌فروشی‌های دوره‌گرد در تهران پیدا شد که بستنی را با نانی مخصوص می‌فروختند. اما بستنی‌فروش مشهور دیگری که شهرتش حتی به شهرهایی مانند لس‌آنجلس و پاریس هم رسیده، اکبر مشهدی است. او که در حوالی میدان راه‌آهن بستنی‌فروشی داشت معتقد بود که بستنی‌های ایرانی باید کاملاً با بستنی‌های خارجی فرق داشته باشد و ایرانی‌ها ترجیح می‌دهند تا در بستنی‌هایشان خامه، گلاب و زعفران بیشتر از نگهدارنده‌های دیگر باشد.

● ثریا روزبهانی

## فرود خلبان لهستانی در میدان چهارگوش



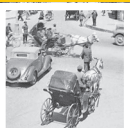
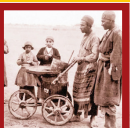
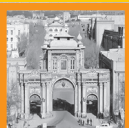
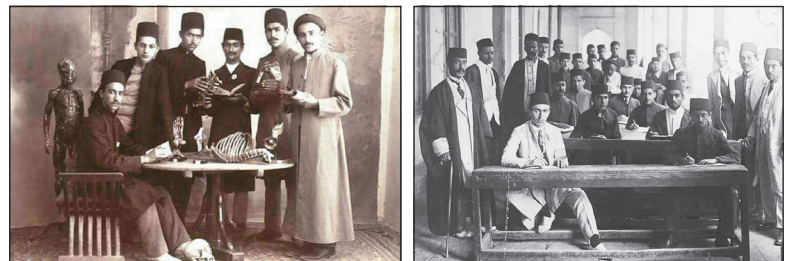
میدان مشق از قدیمی‌ترین نمادهای طهران است که شاهی به میدان ندارد؛ محوطه‌ای که در دوران فتحعلی‌شاه ساخته شد و همراه با یک کاخ زیبا، ساختمان دانشگاه هنر و موزه‌ها خود را به امروز رسانده است. گویا در دوره ناصرالدین‌شاه، با تلاش محمدحسن‌خان سپهسالار، میدان مشق به شکل مربع درآمد و دیوارهایی مشتمل بر طاق‌نماهای آجری، گرداگرد آن ایجاد و دارای دروازه‌ای شد با یک در دوتنگه و دو طاق‌نمای مسدود. نخستین هواپیمایی که در ایران دیده شد با خلبان لهستانی در زمان جنگ جهانی اول، در این میدان فرود آمد و میدان مشق نخستین فرودگاه ایران شد. میدان مشق شاهد اتفاقات تاریخی بسیاری بوده است؛ از انقلاب مشروطه و فتح تهران توسط مشروطه‌خواهان تا کودتای سوم اسفند به رهبری رضاخان و به دار آویختن میرزا رضا عقدايي، معروف به میرزا رضا کرمانی.

● زهرا بلندی

## نخستین دانشجویان پزشکی دارالفنون

در زمان ناصرالدین‌شاه بود که «میرزا تقی‌خان فراهانی» ملقب به امیرکبیر بانی راه‌اندازی نخستین مدرسه مدرن در ایران شد و نخستین دانشجویان رشته پزشکی زیر نظر دو پزشک اروپایی در همین مرکز آموزش علوم و فنون دیدند. شاگردان رشته طب مدرسه دارالفنون، قسمت‌های عملی را در مطب پزشکان و مدرسان مدرسه آموزش می‌دیدند و با آنها به عیادت بیماران می‌رفتند. برای آموزش بیشتر هم بعضی از دستگاه‌های آزمایشگاهی پزشکی، نقشه‌های طبی و تشریحی و اسکلت انسانی از اروپا وارد ایران شد تا دانشجویان پزشکی دقیق‌تر آموزش ببینند. «یاکوب ادوارد پولاک»، معلم طب، جراحی و کحالی (علاج چشم)، «ژرژ» «علم طب»، «گالی» معلم جراحی و «یوهان لوفیس شلیمر» معلم طب، بیماری‌های جلدی و تشریح از جمله مدرسان رشته پزشکی دارالفنون بودند.

● رضا نیک‌نام



روایت‌های تهران  
را با اسکن این  
کیو آر کدها ببینید.